

Political security of individuals and its realization from the perspective of the Holy Quran

Received: 2019-10-15 Accepted: 2019-12-20

Seyed Sajad A'l Seyedghafour *
Gholamreza Behrouzi Lak **

The aim of this study is to investigate ways to achieve political security. This research has been done with the method of thematic interpretation and the verses have been extracted based on four axes: "direct words", "implicit and obligatory words", "opposite concepts" and "contextual and semantic implications". The results showed that the Holy Quran, in various cases, while referring to historical examples, considers the realization of political security of individuals in need of attention to the two indicators of "freedom" and "participation" and to ensure security in the field of freedom, to observe "freedom of thought" and "freedom". "Expression" and advises "consultation" and "choice" to ensure security in the field of partnership.

Keywords: Political security, freedom of thought, freedom of speech, consultation, freedom of opinion.



Vol 22, No. 88, Winter 2020

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* PhD Student in Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
(Corresponding Author) (aleghafoor@gmail.com).

** Professor, Faculty of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran
(behrouzi@bou.ac.ir).

امنیت سیاسی افراد و تحقق آن از منظر قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۹/۲۹

سیدسجاد آل سیدغفور *

غلامرضا بهروزی لک **

هدف پژوهش حاضر واکاوی راه‌های تحقق امنیت سیاسی افراد است. این پژوهش با روش تفسیر موضوعی انجام شده و آیات مورد نظر براساس چهار محور: «واژگان مستقیم»، «واژگان ضمنی و التزامی»، «مفاهیم مخالف» و «دلالت‌های سیاقی و معنایی» استخراج شده‌اند. نتایج نشان داد، قرآن کریم در موارد گوناگونی ضمن اشاره به نمونه‌های تاریخی، تحقق امنیت سیاسی افراد را نیازمند توجه به دو شاخص «آزادی» و «مشارکت» می‌داند و برای تامین امنیت در حوزه‌ی آزادی، به رعایت «آزادی فکر» و «آزادی بیان»؛ و برای تامین امنیت در حوزه‌ی مشارکت، به «مشورت» و «انتخاب» توصیه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: امنیت سیاسی، آزادی فکر، آزادی بیان، مشورت، آزادی عقیده.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
(aleghafoor@gmail.com)

** استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران. (behrouzi@bou.ac.ir).

امروزه چگونگی تحقق و تامین امنیت سیاسی افراد یکی از مسایل مهم کشورهای جهان اسلام و در سطحی کلان‌تر، کل جهان است. بشریت به‌انحای مختلفی با گسترش ناامنی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از آن جمله می‌توان به ناامنی روانی، اقدامات تروریستی، جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و منطقه‌ای و ... اشاره کرد. وجود گروه‌ها و عناصر ناامن‌کننده در سال‌های اخیر (هم‌چون داعش) این مساله را تشدید کرده است. علی‌رغم این که مطالعات اسلامی و نظریه‌پردازی‌های گسترده‌ای در این زمینه صورت گرفته است، اما به حصول نتیجه‌ی قابل قبولی نیاجامیده و چشم‌انداز دوردستی را پیش روی پژوهش‌گران این عرصه قرار داده است. بنابراین مهم‌ترین مساله‌ی این مقاله توجه به ابعاد و جایگاه امنیت سیاسی افراد و تحقق آن از منظر قرآن کریم است و به این مساله اهتمام می‌ورزد که راهکار مشکلات امنیتی کشورهای جهان اسلام را باید از تولید نظریه‌های قرآنی جست‌وجو کرد. این رهیافت بر ضرورت مرجعیت علمی قرآن کریم در تبیین و ارائه‌ی نظریه‌های امنیت سیاسی صحه می‌گذارد. قرآن، کتاب هدایت است و گستره‌ی آیات آن از هدایت عام تا هدایت خاص سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. از آن جایی که قرآن برای تمام ابعاد زندگی بشر برنامه‌ی دقیق و روشنی دارد، تحقیق حاضر به‌دنبال آن است که بتواند دیدگاه قرآن برای حل این مساله را کشف و استخراج کند. در فرایند تحقیق تلاش می‌شود تا با بررسی آیات قرآن و تجزیه و تحلیل آن‌ها، دیدگاه این کتاب آسمانی در خصوص امنیت سیاسی افراد و چگونگی تحقق آن استخراج شود.

۱. چارچوب مفهومی

امن و امنیت در اصل به‌معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص. ۲۵). بوزان (۱۳۷۸) معنای لغوی امنیت را حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌داند (ص. ۵۲). امنیت را می‌توان به دو گونه‌ی سلبی و ایجابی تعریف کرد. در تعریف سلبی، امنیت عبارت است از وضعیتی که منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر (هدف) وجود داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱، ص. ۸۱). در تعریف ایجابی، امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد) تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌کند (همان، ص. ۸۴).



در چپستی مفهوم امنیت سیاسی دو دیدگاه مختلف وجود دارد که عبارتند از: رویکرد دولت‌محور و رویکرد فردمحور؛ این دیدگاه‌ها با توجه به اولویت‌دادن به مرجع امنیت به تعریف امنیت سیاسی پرداخته‌اند. در رویکرد دولت‌محور، مرجع امنیت "دولت" است؛ امنیت سیاسی نیز ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند (بوزان، ۱۳۷۸، ص. ۳۷). تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. این تهدیدها می‌توانند گوناگون باشند و از تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه‌ی سیاسی خاص تا براندازی حکومت، دامن‌زدن به جدایی‌طلبی و از هم‌گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن پیش از حمله‌ی نظامی را دربر بگیرند. در مقابل این نگاه، رویکرد فردمحور به مرجع قراردادن افراد توجه دارد؛ بر این اساس امنیت سیاسی افراد با چنین شاخص‌هایی قابل شناسایی است: حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده‌ی سیاسی، حق انتخاب‌شدن برای سمت‌ها و مناصب سیاسی، حق انتخاب‌کردن حاکمان (لکزایی، رحمت‌الهی، حاج‌زاده و ارسطو، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۰). استبداد، طاغوت، حاکمان جائز، نظام سلطنتی، حکومت‌های وابسته و وابستگی، از جمله‌ی تهدیدهای سیاسی هستند؛ در مقابل، مواردی هم‌چون: آزادی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، انتخابات آزاد و ... ارزش شمرده می‌شوند (لکزایی، ۱۳۹۲، ص. ۲۲). بنابراین امنیت سیاسی وضعیتی است که افراد در جامعه بدون هرگونه نفاق و فریب‌کاری بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و مواضع خود را بیان کنند (میراحمدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰). چنین برداشتی از مفهوم امنیت سیاسی را می‌توان در کلام آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۸) مشاهده کرد. به‌گفته‌ی ایشان امنیت سیاسی این است که تفکرات سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی باشد (ص. ۷۹).

امنیت سیاسی به‌معنای تضمین حقوق سیاسی توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، جهت مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آن‌ها از طریق حکومتی غیرخودکامه و مردم‌سالار است (حمزه‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۷۳). بنابراین، امنیت سیاسی را مصونیت یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروع خویش نیز می‌توان تعریف کرد. درواقع، امنیت سیاسی وجود فضایی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و اضطراب، باورهای سیاسی خود را در چارچوب قوانین موجود بیان می‌کنند و کسی به آن‌ها به‌دلیل ابراز عقیده‌شان تعرض نمی‌کند. واضح است چنین امنیتی در حکومت‌های خودکامه و مستبد به‌وجود نمی‌آید. در رژیم‌های سیاسی که فضای



بسته‌ای دارند و چرخش نخبگان در آن وجود ندارد، امنیت سیاسی نیز وجود نخواهد داشت. نتیجه‌ی نبود امنیت سیاسی، بحران مشارکت و توزیع است که در نتیجه به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص. ۹۹).

امنیت سیاسی با رویکرد فردمحور، به معنای وجود آرامش لازم در قلمرو یک کشور است که این آرامش از طریق مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و تضمین حقوق سیاسی مردم جهت مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی‌شان به دست می‌آید. نظام سیاسی برای ایجاد امکان مشارکت سیاسی می‌بایست امنیت و حضور آزادانه و برابر مردم را فراهم کند و هیچ‌کسی را به داشتن اعتقاد و باور سیاسی خاصی مجبور نکند (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۶۷).

این تحقیق، از آنجایی که به دنبال تحقق امنیت سیاسی افراد است، تلاش می‌کند تا امنیت سیاسی افراد را از منظر قرآن کریم مورد سنجش قرار دهد. از تعاریف و مولفه‌هایی که در امنیت سیاسی افراد بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای تامین امنیت سیاسی افراد از یک سو باید فضایی وجود داشته باشد که مردم بتوانند آزادانه و بدون ترس و اضطراب باورهای سیاسی خود را در چارچوب قوانین بیان کنند و کسی به آن‌ها به دلیل ابراز عقیده‌شان تعرض نکند؛ از سوی دیگر باید حقوق سیاسی افراد توسط حاکمیت یک کشور به منظور مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی به رسمیت شناخته شود.

رویکردهای مختلفی برای فهم قرآن میان مسلمانان وجود دارد که تفسیر تنزیلی، ترتیبی و موضوعی از آن جمله‌اند. تفسیر موضوعی، روشی است برای تبیین یک موضوع با ملاحظه‌ی آیات هم‌موضوع و هم‌مضمون و نه هماهنگ، با ترتیب و تنظیم موجود در قرآن. در این روش، مفسر، آیات مختلف درباره‌ی یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل آن‌ها دیدگاه قرآن را تبیین می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۳۹). این شیوه میان تجربه‌ی بشر و قرآن را جمع کرده و نظریه‌ی واحدی را حول یک موضوع ارائه می‌کند.

در تفسیر موضوعی دو رویکرد وجود دارد. استنتاجی که به سخن درآوردن متن بر اساس سوالات زمانه است؛ و استخراجی که تعیین موضوع از بیرون و شناسایی مسائل و احکام از متن است. مقاله‌ی حاضر براساس رویکرد تفسیر موضوعی به استخراج آیات مربوط به امنیت سیاسی افراد می‌پردازد؛ گزینش و منطق استخراج آیات به شرح ذیل است:

۱. استفاده از "واژگان مستقیم"؛ یعنی واژگانی که دلالت مستقیم به مساله‌ی ما دارند

مورد استفاده قرار می‌گیرند (مانند ماده ایمنی و امنیت).

۲. استفاده از "واژگان ضمنی و التزامی": کلماتی که بار معنایی مشابه با موضوع دارند، استخراج می‌شوند (مانند سکینه و صلح).
۳. استفاده از "مفاهیم مخالف": کلماتی که بار معنایی مخالف با موضوع دارند نیز گردآوری خواهند شد (مانند خوف و خشیه).
۴. "دلالت‌های سیاقی و معنایی": در این روش به سیاق کلمات به کارگرفته شده در آیه و جایگاه آن در میان آیات قبل و بعد و نیز آیات مرتبط توجه خواهد شد.

۲. انسان و ضرورت نیاز به امنیت سیاسی از منظر قرآن کریم

نظام‌های فکری و سازه‌های اجتماعی و سیاسی مختلف، هر کدام برداشت خاصی از انسان دارند. این که انسان را با فطرتی پاک و سالم تصور کنیم یا ذاتا شرور به حساب آوریم، به نوع خاصی از نظام فکری و سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد (هیوود، ۱۳۷۹، ص. ۳۵-۳۶). شناخت هر نظام سیاسی و اجتماعی و فکری، تابع تصور و برداشت و تلقی آن‌ها از انسان است (غریاق زندی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲). از نظر اسلام، انسان موجودی دو ساحتی است. یک وجه عقلی دارد که همان روح الهی دمیده شده در اوست و سرانجام به سوی خدا باز خواهد گشت؛ یک وجه طبیعی و دنیایی نیز دارد که آمیخته به شهوت، غضب و وهم است. تکیه بر هر کدام از این قوا، انسان‌شناسی خاصی را به وجود می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۲۳).

هم‌چنین انسان موجودی مختار است. براساس این ویژگی اگر انسان به خواسته‌های نفسانی و تمایلات درونی رو آورد، به مرتبه‌ی حیوانی سقوط کرده و مصداق «أولئک کالأنعام بل هم أضلّ» (اعراف: ۱۷۹) خواهد شد؛ اما اگر به خواسته‌ی عقل تن دهد و بر شهوت و غضب غالب گردد، رو به رشد و تعالی حرکت خواهد کرد و مراحل کمال را طی خواهد نمود. خداوند در قرآن در موارد مختلفی به ویژگی‌های انسان پرداخته و اشاره کرده است که آدمی میل به ایجاد ناامنی نیز دارد؛ این مساله ضرورت تامین امنیت سیاسی افراد را دو چندان می‌کند. در ادامه به برخی از آیات اشاره خواهیم کرد.

۲.۱. میل به فساد و ناامنی در انسان

خداوند بعد از آفرینش آسمان‌ها و زمین، به خلقت انسان پرداخت تا او را به منصب خلافت برساند. «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۹). خلقت انسان با پرسش فرشتگان همراه بود. آن‌ها به



فسادگری انسان در روی زمین اعتقاد داشتند و سوال کردند: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره، ۳). "سفک"، مصدر يسفک به معنای ریختن است و "من ... يسفک الدماء" کنایه از کشتارهای فراوان است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰، ج ۱ ص ۱۱۹). ملائکه، فساد و خونریزی را کار دائمی انسان می دانستند. "يُفْسِدُ ... وَ يَسْفِكُ، فعل مضارع نشانه‌ی استمرار است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۸۹)؛ ملائکه با پیش‌بینی فسادگری انسان، او را شایسته‌ی خلافت نمی‌دیدند. آن‌ها از سویی بشر را دارای قوای مادی، غضبی و شهوی می‌دیدند و از سوی دیگر زمین را عرصه‌ی تزاخمت می‌دانستند که لازمه‌ی این تزاخم و تنازع، فساد و خونریزی در زمین خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۷).

۲،۲. ماهیت خلق و خوی حیوانی انسان در تولید ناامنی

قرآن کریم انسان را برتر از دیگر موجودات می‌شمارد و انسان را جانشین خدا معرفی می‌کند. همه‌ی انسان‌ها بالقوه استعداد خلیفه‌ی خدا شدن را دارند، اما همه، خلیفه‌ی خدا نیستند؛ به فرموده‌ی روایات، افراد خاصی به این مرتبه می‌رسند. چون برخی از انسان‌ها با رفتار خود به اندازه‌ای سقوط می‌کنند که از حیوان نیز پست‌تر می‌شوند. بعضی از انسان‌ها همان ویژگی حیوانی را دارا هستند و به ناامنی دامن می‌زنند. «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا ...» (اعراف، ۱۷۹). نتیجه‌ی رفتار آنان این است که شأنی مانند چهارپایان دارند و حتی از آن‌ها پایین‌ترند. به خاطر این که اینان از خداوند و از هدف خلقت و از قیامت و ... غافلند. ویژگی اصلی زندگی حیوانی، دوری از تمدن و ناامنی و جامعه‌ای دور از عقلانیت و گفت‌وگو است. لذا باید همیشه عواملی در جهت محافظت و تولید امنیت وجود داشته باشند و در راستای برقراری نظام انسانی مطلوب تلاش نمایند.

۲،۳. طغیان‌گری انسان

یکی از ویژگی‌های خاصی که قرآن کریم درباره‌ی انسان تذکر می‌دهد، خوی طغیان‌گری است؛ این خصلت در نتیجه‌ی قدرت نامحدود پدیدار می‌شود. واژه‌ی "طغی" با مشتقات مختلف ۳۹ بار در قرآن به کار رفته‌اند (شش مورد به صورت فعل مضارع، هفت مورد فعل ماضی، هجده مورد به صورت مصدر، هفت مورد به صورت اسم فاعل و یک مورد به صورت اسم تفضیل). واژه‌ی طغیان، مصدر از ماده‌ی "طغو"، "طغی"، به معنای تجاوز از حد متعارف (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۸۲).

طغیان یکی از عوامل مهم در تولید ناامنی در جامعه است. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (علق، ۶). طغیان مساله‌ای است که اهمیت و ضرورت آن را می‌توان در نخستین مأموریت موسی علیه السلام مشاهده کرد؛ «أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى» (نازعات، ۱۷ - ۱۸). قرآن با پرداختن به ابعاد مختلف این مساله، اعم از علل و عوامل پدیداری، علائم، نشانه‌ها و راه‌های برون‌رفت از آن، بر اهمیت درمان روحیه‌ی طغیان تاکید می‌کند. احساس بی‌نیازی و استغنا‌ی انسان (علق، ۷)، خود برتری‌بینی و استکبار از جمله‌ی مهم‌ترین عوامل پدیدارشدن طغیان در انسان معرفی شده‌اند. طغیان منشا بسیاری از معضلات و نابه‌سامانی‌های جوامع بشری است. از منظر قرآن کریم، طغیان مذموم است و می‌تواند سبب ناکارآمدی نظام اجتماعی و روابط انسانی شود. طغیان از عوامل مهم و تاثیرگذاری است که به از میان رفتن مشروعیت و امنیت سیاسی افراد در یک نظام سیاسی می‌انجامد.

۳. مصادیق امنیت سیاسی افراد از منظر قرآن کریم

امنیت سیاسی افراد به معنای آن است که از یک سو فضایی وجود داشته باشد که مردم در آن آزادانه و بدون ترس و اضطراب باورهای سیاسی خود را در چارچوب قوانین بیان کنند و کسی به دلیل ابراز عقیده‌شان به آن‌ها تعرض نکند؛ از سوی دیگر به معنای تامین حقوق سیاسی افراد توسط حاکمیت به منظور مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی است.

۳,۱. تامین آزادی افراد

آزادی سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که اشخاص و تشکل‌های سیاسی در انجام رفتارهای سیاسی مطلوب و برخوردار از حقوق اساسی، از محدودیت‌ها و موانعی که دولت‌ها ممکن است در برابر آن‌ها ایجاد کنند، رها و آزاد باشند (میراحمدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۸). با ذکر شواهدی می‌توان به تلقی و نگاه حاکم بر قرآن برای حفاظت از آزادی و موانع تحقق آن دست یافت.

۳,۱,۱. مصونیت افراد در عقیده

از منظر قرآن، عقاید افراد محترم است؛ لذا آزادی عقیده به گروه، قشر، مذهب و منطقه‌ی جغرافیایی خاصی اختصاص ندارد و همه‌ی انسان‌ها را شامل می‌شود و به دنبال خود حقوقی را متوجه جامعه می‌کند. در قرآن کریم مقاتله و جهاد با مشرکان زمانی مطرح می‌شود که نقشه‌ی نابودی و حمله به مسلمانان را داشته باشند؛ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰). براساس مفهوم مخالف



"تعدوا"، زمانی که تهدیدی از سوی مشرکان متوجه مسلمانان نیست، عقاید آنان نیز محترم شمرده شده است. این نکته را قرآن با زبان دیگری به صراحت بیان می‌کند و حفظ حیثیت و کرامت انسان را منحصر به مسلمان و مومنین نمی‌کند؛ بلکه آن را نسبت به همه‌ی انسان‌ها تعمیم می‌دهد. قرآن دستور می‌دهد کسانی که با مسلمانان نمی‌جنگند و منجر به آوارگی آن‌ها نمی‌شوند، باید مورد نیکی قرار بگیرند؛ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸).

۳، ۱، ۲. ممنوعی تا از تحمیل افکار بر دیگران

انسان‌ها حق دارند در امنیت کامل به فکر و اندیشه بپردازند و آن‌چه را می‌پسندند، انتخاب کنند. فرد، گروه یا قدرت حاکمه حق اجبار و تحمیل عقاید و افکار خود را بر دیگران ندارد. نمی‌توان آن‌ها را به‌خاطر آن‌چه در فکر و قلب خود دارند، تبعید کرد. اخراج و تبعید به‌خاطر فکر و اندیشه از منظر قرآن کریم امری ناپسند است؛ «وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۱۹۱). فتنه به قرینه‌ی بخش قبل، به‌معنای زمانی است که افراد به‌خاطر فکر و اندیشه مجبور به تبعید و اخراج شده‌اند. زمانی که مسلمانان از اخراج به‌خاطر فکر و عقیده در امنیت باشند، فتنه از میان خواهد رفت. همراهی فتنه و اخراج به‌خاطر فکر و اندیشه را در آیات دیگر نیز می‌توان ملاحظه کرد؛ «وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۲۱۷). این آیه تصریح می‌کند که چنین کاری به‌شدت ناپسند بوده و حتی از کشتار نیز بدتر است.

۳، ۱، ۳. ممنوعیت از تفتیش افکار دیگران

در قرآن کریم از تفتیش عقاید و اندیشه‌ی دیگران منع شده است. «لَا يُمْنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» (توبه، ۲۹). این آیه در مقابل مشرکین مکه است که مردم را وادار به بت‌پرستی می‌کردند. مراد از این‌که می‌فرماید "تا آن‌که دین برای خدا شود" این است که مردم اقرار به توحید کنند و خدا را بپرستند؛ این در حالی است که اهل کتاب اقرار به توحید دارند. هرچند که توحیدشان توحید نیست و این اقرارشان در حقیقت کفر به خدا است. ولی اسلام به همین توحید اسمی نیز از ایشان قناعت کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۸۳).

۳، ۱، ۴. هم‌زیستی مسالمت‌شروط گف، زیما توگو با مخالفان

اسلام، دینی مبتنی بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یک‌دیگر است. هم‌زیستی

موضوعی کاملاً مستدل براساس آیات است. «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس، ۲۵). با بررسی آیات قرآن چنین برمی آید که ایجاد رابطه‌ی امن، مطلوب است. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ... لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۱ و ۶). اسلام به این نکته توجه می کند که با ایجاد جو آرام و مودت آمیز می توان با مخالفان عقیدتی خود به گفت و گو و جدال احسن پرداخت. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى... فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده، ۶۹). آنان در امنیت و سلامتی کامل با مومنان زندگی خواهند کرد؛ «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم، ۴۷).

۳۰۱، ۵. حق و اختیار در فکر و عقیده

از منظر قرآن، دین حق و نهایی اسلام است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹). هدف و غایت نیز الله است؛ «إِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان، ۲۲)؛ سرانجام و پیروزی نیز با مومنان است و آن ها در نهایت آرامش و امنیت در دنیا و آخرت به سر خواهند برد؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مومنون، ۱). با این حال، بین "حق بودن" و "حق داشتن" تفاوت مبنایی و ساختاری وجود دارد. کسانی که حق هستند، این حق را ندارند که به اجبار و سلطه، دیگران را به حق فرابخوانند؛ بلکه آن ها هم حق فکر و عقیده دارند. سرانجام چنین افرادی خسران در آخرت خواهد بود. «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران، ۸۵). اگر امنیت حاکم باشد، انسان ها می توانند فکر و عقیده‌ای را انتخاب کنند و با اختیار عملی، عقیده‌ی مطلوب خودشان را برگزینند. «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ» (ق، ۴۵). در حالت اجبار با اندک شبهه و طرح سوال و اشکالی، بنیان های دینی و اخلاقی سست می شوند؛ لذا دین داری با آزادی در تناسب است. آزادی به انسان کرامت می بخشد؛ چون یکی از راه های شناخت انسان اراده و اختیار است. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس، ۹۹).

از نگاه قرآن، انسان موجودی است که تفاوت ماهوی با موجودات دیگر دارد. عقیده، یک امری درونی و قلبی است و با استدلال و اقناع حاصل می شود. از این زاویه ساحت دین حق منزّه تر از آن است که راضی شود، عقیده‌ای را بر مردم تحمیل کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳ ص ۱۸۰).

به بیان علامه طباطبایی، اعتقاد و ایمان از امور عقلی است و در حوزه‌ی اکراه و اجبار قرار نمی گیرد. اسلام، آزادی فکری را نه تنها یکی از حقوق بشر، بلکه از وظایف



طبیعی و تکوینی آدمی می‌شمارد. واژه‌های تذکر، تدبّر، تفکر، تعقل و تفقه در قرآن به همین موضوع اشاره دارند. در این راه حتی پیامبر خدا نیز مامور بود تا در محیط زندگی مردمان امنیت ایجاد کند و فرصت کافی را برای تفاهم با مشرکان فراهم آورد. اساسا وظیفه‌ی رهبران بشر پرورش افکار مردم و آماده نمودن آن‌ها برای حقایق وجودی و کمک به ایشان در تفکیک واقعیات از موهومات است (موسوی زنجانی، ۱۳۴۰، ص. ۱۷۳). از آنجایی که دین و مذهب با روح و فکر مردم سر و کار دارند و اساس و شالوده‌ی دین بر ایمان و یقین استوار است، خواه یا ناخواه راهی جز منطق و استدلال نمی‌تواند وجود داشته باشد. «وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» (آل عمران، ۱۱۰) و اختیار با ایشان است.

۳، ۱، ۶. ممنوعیت حق سلطه بر دیگران

ساختار وجودی انسان به‌گونه‌ای است که اختیار آن به‌دست خودش باشد؛ «فَأِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران، ۲۰). سلطه از آن خداست و دیگران از آن منع شده‌اند؛ «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ» (نساء، ۹۰). از منظر قرآن راه رسیدن به کمال مطلوب در زندگی فردی و اجتماعی آزادگذاشتن انسان از قیود و عدم تهدید و نشان دادن راه مستقیم به اوست؛ «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (حجر، ۴۲). هر آیینی حق دارد به‌طور آزاد به‌صورت منطقی خود را معرفی کند. آیات فراوانی پیامبر را تنها، بشیر و نذیر معرفی کرده است؛ «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (انعام، ۴۸). هدایت از آن خداست و انسان‌ها مختار به اختیار آن هستند؛ «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (بقره، ۲۷۲). انتخاب با انسان هاست و سود و زیان هم به آن هاست؛ «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (اعراف، ۱۰۴). از این رو باید بگوییم امنیت آزادی فکر و عقیده در نهاد انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است و شخصیت انسان در سایه‌ی این امنیت می‌تواند به کمال برسد.

بنابر آیات قرآن، حتی پیامبر اسلام نیز حق سلطه و اجبار بر سایرین را ندارد؛ «فَذَكَرُ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه، ۲۱ - ۲۲)؛ و هرگونه تهدیدی جهت انجام کاری مذموم است؛ چون اعتقاد و حاکمیت دینی تحمیل‌بردار نیست و اگر اجبار و اکراه مذموم است باید اجازه داد انسان‌ها و افراد جامعه خود آن‌چه را می‌خواهند، برگزینند. «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» (ق، ۴۵). باید توجه داشت که ایجاد محیط تهدید، ناامنی و ترس سرانجام به تظاهر می‌انجامد؛ یعنی هنگامی که افراد جامعه با عناصری چون ترس، اجبار و تهدید مواجه شوند، افراد جامعه

ناگزیر به تظاهر، تملق و ریاکاری گرفتار خواهند شد و هویت و شخصیت خود را از دست خواهند داد.

۳، ۱، ۷. ایجاد فضای مجادله‌ی نیکو در جامعه‌ی اسلامی

امنیت سیاسی به افراد این آزادی را می‌دهد که بتوانند آن‌چه در فکر و فهم خود پذیرفته‌اند و به آن اعتقاد دارند را بیان نمایند. بیان شامل: نطق، گفتار، نوشتار و فهم نیز می‌شود، تا بدان وسیله آن‌چه گوینده می‌گوید، شناخته گردد و آن‌چه به او می‌گویند، فهم شود (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص. ۳۰۱).

اگرچه آزادی بیان از گستره‌ای وسیع برخوردار است، اما مهم‌ترین و کاربردی‌ترین بخش آن، آزادی بیان در امور سیاسی است. اسلام چنین حقی را در ابعاد مختلف اعتقادی، صنفی و سیاسی در بالاترین سطح خود پذیرفته است. آزادی بیان، با توجه به شفاف‌سازی‌ها و آگاهی‌بخشی‌هایی که در جامعه ایجاد می‌کند و احساس مسئولیت را در میان حاکمان و شهروندان زنده می‌کند، می‌تواند گامی مهم در جلوگیری از استبداد حاکمان باشد. معمولاً حکومت‌ها و قدرت‌های حاکم در مسیر عملیاتی‌شدن آزادی چالش‌آفرینی می‌کنند و چنین می‌پندارند که فضای آزاد و بیان واقعیت‌ها از سوی صاحب‌نظران، تحت قدرت آنان را لرزان خواهد کرد؛ حال آنکه غالباً بیان خواسته‌ها و مطالبات، موقعیتی برای حاکمان به وجود می‌آورد تا از لایه‌های پنهان جامعه‌ی خویش خبردار شوند و برای پاسخ‌گویی و برآوردن تقاضاهای شهروندان اقدام کنند (سیدباقری، ۱۳۹۷، ص. ۷-۸).

خدای متعال به پیامبر اسلام ﷺ امر می‌کند که با مخالفان و آنان که دیدگاه تو را نمی‌پذیرند، با شیوه‌ی نیکو جدل کن؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵). گفت‌وگو و جدل بدون وجود و حضور طرف مقابل و دیدگاه مخالف معنا ندارد. البته جنس گفت‌وگو، مکالمه و مفاهمه با مجادله متفاوت است. مجادله به منازعه نزدیک می‌شود و گونه‌ای از بحث و سخن‌خشن محسوب می‌شود. خداوند نفرمود دیدگاه حق خود را بر آنان تحمیل کن و آنان را مجبورساز تا آن را بپذیرند؛ و نفرمود به‌هر نحوی که دوست داری، آنان را به دین حق فرا بخوان؛ بلکه دستور می‌دهد که با مخالفان، مجادله‌ی نیکو داشته باش. لازمه‌ی گفت‌وگو و جدال آن است که طرف مقابل و مخالف بتواند سخن خویش را بیان کند و بدون هراس از صاحبان قدرت آن را مطرح سازد. خداوند به صراحت پیامبر خویش را به جدال احسن با



اهل کتاب امر کرده و حتی آن‌هایی که نبوت پیامبر اسلام را انکار می‌کنند، در نظر گرفته است. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت، ۴۶). با توجه به واژه‌ی "الا"، مجادله با آنان، تنها باید در فراگردی نیکو برپا شود و امنیت سیاسی افراد در فضای مجادله از سوی دیگران، به‌ویژه حکومت، رعایت گردد.

۳، ۱، ۸. ایجاد همای پوی نظرات و استدلال

قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد محیط جامعه‌ی اسلامی را به فضای مناسبی برای بیان نظرات و براهین مختلف تبدیل کنند و از دیگران بخواهند برای نظرات خود برهان و دلیل اقامه نمایند. این مطالبه نشان‌دهنده‌ی اهمیت فضای امن برای صحبت و استدلال در آیات قرآن است. «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۱۱۱). طلب استدلال برای باور نادرست به معنای آن است که در جامعه‌ی اسلامی باید باب طرح عقاید متفاوت باز باشد و این عقاید باید به همراه برهان و دلیل ارائه شوند. طلب برهان نیازمند جامعه‌ی آزاداندیش است؛ جامعه‌ای که همه‌ی افراد و گروه‌ها می‌توانند عقیده‌ی خود را اظهار کنند. قرآن حتی بت‌پرستان را به آوردن دلیل دعوت کرده و نبود دلیل در نزد آن‌ها را نکوهش می‌کند؛ «وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا» (انعام، ۸۱). جمله‌ی "ما لم ينزل به عليكم سلطانا" صرفاً فرضی است که اسلوب برهان احتیاج به آن داشته و در حقیقت مانند این است که در پاسخ کسی که ما را از یک موضوعی خرافی ترسانیده، بگوییم شما دلیلی بر ادعای خود ندارید. چیزی که هست، همین حرف را می‌توانیم به زبان توحید بزنیم و بگوییم خداوند دلیلی بر این ادعای شما نازل نکرده و در نتیجه، برهان را به‌صورت قیاس استثنائی هم درآوریم (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۴۷).

۳، ۱، ۹. امکان محاجه با مخالفان

قرآن فضای محاجه و بحث را نه تنها نفی نمی‌کند، بلکه آن را نوعی ضرورت در زندگی اجتماعی قلمداد می‌نماید؛ «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَن» (آل عمران، ۲۰). احتجاج از باب افتعال در لغت به معنای اقامه‌ی حجت بر مدعاست. احتجاج بالشئیء ای اتخذه حجة؛ به‌چیزی احتجاج کرد، یعنی آن را حجت قرار داد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۶). حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است. علت نام‌گذاری آن به حجت این است که از ریشه‌ی "حج" به معنای قصد گرفته شده، و دلیلی است که با آن

مدعا اثبات می‌شود (زبیدی، ۱۳۰۶ق، ج ۵، ص ۴۶۴). در نگاه قرآن، همه‌ی افراد جامعه در سخن و اظهارنظر ایمن هستند؛ حتی زمانی که دانش و علم کافی ندارند؛ «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (آل عمران، ۶۶). به عبارت دیگر، همه‌ی آن‌چه در اندیشه و فکرشان دارند را جهت ایضاح بیان می‌دارند.

۳، ۱، ۱۰. ایجاد فضای انتقاد در جامعه

قرآن با معرفی و توضیح بهترین امت‌ها، آن‌ها را به داشتن فضای امن برای انتقاد توصیف کرده است؛ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۱۰). بهترین امت بودن با شعار نیست؛ با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است و در امت ساکت و ترسو خیری نیست. فضای ایمن برای امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن، معیار امتیاز امت‌ها شمرده می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۵۸۲). قرآن نتایج افول امر به معروف و نهی از منکر را طغیان طاغیان می‌داند. وقتی آیات روشن الهی بر طاغیان تلاوت می‌شود، نشانه‌های خشم و بدخویی را در چهره‌های آن‌ها می‌شناسی و نزدیک است که به تلاوت‌کنندگان آیات الهی حمله‌ور شوند؛ «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا» (حج، ۷۲). نتایج نامنی بیان، به واکنش خصمانه‌ی ستمگران و قتل منجر می‌شود؛ «يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ» (آل عمران، ۲۱). وجود آزادی بیان از بارزترین نمونه‌های فرهنگ انتقادپذیری در یک جامعه است. قرآن کریم اعتراض منافقان را نشانه‌ی شنو بودن پیامبر می‌داند و نه تنها نسبتی که منافقان با پیامبر اعظم داده‌اند را نفی نمی‌کند، بلکه بر آن تاکید می‌نماید. این صفت را منافقان به عنوان صفت ذم از پیامبر یاد کرده‌اند، ولی خداوند به عنوان صفت مدح به حساب آورده است؛ «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٌّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ» (توبه، ۶۱).

۳، ۱، ۱۱. ایجاد امنیت برامب‌ی لغان دین

در آیات متعددی به نشان دادن راه مستقیم و هدایت و تبلیغ دین اشاره شده و بر آن تاکید گردیده است. در جامعه‌ی آرمانی، گروه‌هایی وجود دارند که آزادانه و در امنیت کامل دیگران را به سوی خداوند می‌خوانند. ایشان باید بتوانند راه را به سایرین نشان دهند؛ «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ» (اعراف، ۱۵۹). هدایت‌گرانی که خود ملازم حق و پیرو حقیقت هستند و اختیار انتخاب راه را به مردم وا می‌گذارند؛ «فَذَكَرُ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» (ق، ۴۵). بنابراین، هم تذکردهندگان در امنیت هستند و هم سایرین. وظیفه‌ی



پیامبر اسلام ﷺ تبلیغ دین است، نه تحمیل دین؛ «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ». اهمیت وجود تذکردهندگان به گونه‌ای است که تا زمانی که بتوانند و این امکان برای ایشان فراهم باشد، از تبلیغ دین دست برنمی‌دارند؛ «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (اعراف، ۱۶۴). این که گفته شده است "نزد پروردگارتان" و نه "نزد پروردگارمان"، اشاره به این دارد که نهی از منکر به ما اختصاص ندارد؛ شما هم که سکوت کرده‌اید، مسئولید و باید این سکوت را شکسته و دیگران را نصیحت کنید (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۸۵).

بر حکومت لازم است که امنیت چنین افرادی را تامین نمایند. از این جهت کلیه‌ی شهروندان در قبال اوضاع جاری جامعه، رفتار و کردار صاحبان قدرت و کارگزاران حکومت اسلامی، موظف به نقد و نصیحت هستند. هرچند امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان دو فرع از فروع دین مطرح است، اما از نظر تأثیری که در مجموعه‌ی تعالیم دینی می‌گذارد، چنان وسیع است که بخش اعظم شریعت را دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲). باید توجه داشت که نوع انتقاد از حاکم باید سازنده و تلطیف شده باشد؛ «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه، ۴۳ - ۴۴).

۳.۱.۱۲. فراهم‌کردن بالاترین سطح آزادی بیان

در قرآن این امکان برای نادانان نیز فراهم شده است تا زمانی که به دیگران صدمه نزنند، دارای امنیت باشند و نظرات خود را بیان نمایند؛ «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳). مومنان با آن‌ها به مسالمت رفتار می‌کنند. مومنان نه نسبت به خدا استکبار می‌ورزند و نه در زندگی می‌خواهند بر دیگران استعلا کنند و بدون حق، دیگران را پایین‌تر از خود بدانند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳۰، ص ۶۷).

یکی از پدیده‌های با عظمت روحی مومنان، تحمل و حوصله است که بدون آن هیچ انسانی راه دشوار و پرفراز و نشیب عبودیت و بندگی خدا را نمی‌تواند طی کند؛ مخصوصاً در جوامعی که افراد فاسد و مفسد و جاهل و نادان در آن فراوان باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۱۴۷). «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (قصص، ۵۵). مراد از لغو، سخن بیهوده است. از آن جایی که لغو، شنیدنی و از مقوله‌ی سخن است، لذا وقتی آن را می‌شنیده‌اند، از آن اعراض نموده و مقابله به مثل نمی‌کرده‌اند. "سَلَامٌ عَلَيْكُمْ" یعنی شما از ناحیه‌ی ما خاطرتان جمع باشد و ایمن باشید که گزندی نخواهید دید. تاکید آیات قرآن بر امنیت جاهلان تا زمان قول، و نه فعل ایشان

ادامه دارد و آن‌ها می‌توانند نظرات‌شان را بدون هرگونه تهدید و ترسی بیان نمایند؛ «فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسِرُّونَ وَ مَا يَعْلِنُونَ» (یس، ۷۶).

۳، ۱، ۱۳. امکان شنیدن نظرات گوناگون

قرآن کریم با اشاره به اهمیت فکر و اندیشه در میان مومنان، از ویژگی‌های مهم در نزد ایشان به تبعیت از احسن متذکر شده است. در جامعه‌ی اسلامی مومنان می‌توانند اندیشه‌های مختلف را بشنوند و افراد جامعه امکان بیان نظرات خود را دارند؛ «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۸). مراد از "الْقَوْل" هرگونه سخن و گفتاری است؛ چراکه این آیه بیان‌گر آزاداندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری ایشان در مسائل مختلف است. به مومنان اجازه می‌دهد سخنان دیگران را مطالعه و بررسی کنند و اهل تحقیق باشند. این آیه، آزاداندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری ایشان را در مسائل مختلف به‌خوبی نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۱۱۹). هدایت‌الهی و تنها راه مطمئن، در انتخاب آگاهانه است؛ «فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ... أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ».

۳، ۲. تامین مشارکت سیاسی افراد

یکی دیگر از مصادیق تحقق امنیت سیاسی افراد، تامین مشارکت سیاسی آنان است. با تامین امنیت سیاسی، از یک سو فضایی فراهم می‌شود که مردم آزادانه و بدون ترس و اضطراب باورهای سیاسی خود را در چارچوب قوانین بیان کنند و کسی به آن‌ها به‌دلیل ابراز عقیده‌شان تعرض نکند؛ از سوی دیگر حقوق سیاسی افراد توسط حاکمیت یک کشور محترم شمرده می‌شود و آن‌ها می‌توانند در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی خود مشارکت نمایند.

مشارکت سیاسی، ناظر بر مشارکت شهروندان در انتخاب رهبران خویش، شرکت فعال در فرآیند تصمیمات و نیز نظارت بر قدرت سیاسی است (لک‌زایی و مقیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳). هرچه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه به‌هنگام‌تر، عقلانی‌تر و منطقی‌تر می‌شود (بابایی، ۱۳۷۶، ص ۲۴). مشارکت، یکی از راه‌های تامین اصول احترام به شخصیت افراد است.

۳، ۲، ۱. مشورت و تصمیم‌گیری جمعی در امور سیاسی

قرآن لازمه‌ی تامین امنیت سیاسی افراد را مشارکت ایشان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند و یکی از مهم‌ترین امتیازات مسلمانان را حرکت و عمل بر پایه‌ی مشورت، تبادل نظر و تصمیم‌گیری جمعی عنوان می‌کند. مقصود از شورا در اصطلاح سیاسی، حضور فعال امت



و مشارکت سیاسی آنان در امور حکومت و تصمیم‌گیری‌هاست. در صورت پذیرش چنین مفهومی، می‌توان گفت قرآن مدیریت شورایی را هم در سطح نظام‌سازی و هم در سطح تصمیم‌سازی به‌منظور کارآمدسازی دولت اسلامی پذیرفته است (میراحمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷-۱۱۳).

شورا و مشورت، واژه‌هایی قرآنی هستند که دو بار به‌صراحت در وجه سیاسی به‌کار رفته‌اند؛ یک بار در شمردن اوصاف مومنان و در مقام فرهنگ‌سازی مشورت (شوری، ۱۳۸) و بار دیگر در اشاره به ضرورت مراجعه‌ی پیامبر در مقام رهبری جامعه‌ی مسلمانان به شورا (آل عمران، ۱۵۹). علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی مدنی شورا، مشورت را به‌منزله‌ی امضای سیره‌ی سیاسی پیامبر می‌داند؛ زیرا ایشان در امر جنگ، پیش از روز احد با مسلمانان مشورت کرده بود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۵۶ - ۵۷). پذیرش این اصل در اداره‌ی امور جامعه به‌معنای امنیت سیاسی افراد و پذیرش سلايق و نظرات گوناگون با در نظر گرفتن زمینه‌ها و چارچوب‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی هر جامعه است.

برای فهم معنای شورا نباید تنها به مصداق محدود آن در یک برهه‌ی تاریخی مشخص، یعنی زمان نزول، توجه کرد؛ بلکه این مفهوم را باید روح معنایی در نظر گرفت که مانند کلافی در طول تاریخ به‌شکل تجربی درون مصداق‌های جدیدش در حال بازشدن است و هیچ تجربه‌ای نمی‌تواند به عمق معنای آن محدودیت ببخشد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۸). بنابراین زمانی که خداوند از مشورت سخن می‌گوید، منظورش قالبی نیست که در جزیره‌العرب، عده‌ای با محدودیت‌های فردی و اجتماعی و تاریخی مشخصی در جایی جمع می‌شدند و با مدل مشخصی مشورت می‌کردند؛ بلکه حقیقت این است که بی‌نهایت مدل‌های متصور دیگر در این زمینه را می‌توان یافت که به شکل تاریخی می‌توانند مصداق شورا باشند (شفیعی، ۱۳۹۳، ص. ۱۹-۲۰).

دعوت به مشورت در قرآن به این آیات محدود نمی‌شود. از میان اقوام گذشته، سبباً جامعه‌ای است که براساس شیوه‌ی حکومتی مشورتی اداره می‌شود. قرآن از سویی به سیره‌ی مشورت‌خواهی بلقیس تصریح می‌کند؛ «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» (نمل، ۳۲)؛ و از سوی دیگر، استبداد به رأی فرعون و سرباز زدن وی از مشورت‌خواهی و در نتیجه هلاکت او را مثال می‌زند.

۳،۲،۲. حق انتخاب و تعیین سرنوشت

انتخاب، فرایندی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخاب به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده‌ی شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. مردم در نظام‌های استبدادی، رعایا و بندگان حاکمان فرض می‌شوند و فاقد حق انتخاب و آزادی در احقاق حقوق اساسی خویشند؛ از همین رو اساسی‌ترین مولفه‌ی به رسمیت شناخته شدن آزادی مردم و حق انتخاب و تعیین سرنوشت آنان، به دست خودشان است (ایزدهی، ۱۳۹۴، ص. ۴۵). اگر افراد یک جامعه این حق را داشته باشند که آزادانه، حاکمان جامعه‌ی خود را برگزینند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم باشند، به گونه‌ای که هیچ قدرت خارجی نتواند اخلاقی در حق انتخاب آنها به وجود آورد، در امنیت سیاسی به سر خواهند برد.

علامه طباطبایی در این باره بیان می‌دارد که در هر صورت، پس از پیامبر اکرم و پس از غیبت امام عصر (عج)، بی‌گمان امر حکومت اسلامی برعهده‌ی مسلمانان است. پس مردم باید براساس سیره‌ی پیامبر که همانا روش امامت است، نه روش پادشاهی و امپراطوری، برای اجتماع خویش حاکم برگزینند و به گونه‌ای رفتار کنند که دگرگونی در احکام پدید نیاید و با رایزنی و مشاوره، اداره‌ی امور و رخدادهایی که به اقتضای زمان و مکان پدید می‌آیند، انجام پذیرد (لک‌زایی، رحمت الهی، حاج‌زاده و ارسطو، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۳).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم به مثابه بالاترین پیام هدایت برای بشریت، ظرفیت‌های عظیم و قابل توجهی در تبیین معارف انسانی دارد. از این رو در این مقاله تلاش شد براساس مطالعه‌ی آیات الهی و کشف منطق درونی آن، با رویکرد تفسیر موضوعی استخراجی، امنیت سیاسی افراد از منظر قرآن تبیین گردد. از نظر آموزه‌های قرآنی، فقدان امنیت سیاسی یکی از بدترین کمبودها در زندگی بشر است و تردیدی نیست که بدون آن، شکوفایی اقتصاد و پیشرفت و هرگونه فعالیتی که به زمینه‌ی آرام در سطوح مختلف جامعه نیاز داشته باشد، قابل اجرا نیست. به‌طور کلی می‌توان نظر مساعدی را از قرآن در زمینه‌ی امنیت سیاسی استنباط

کرد. به نظر می‌رسد قرآن مفسد گوناگون برخاسته از حکومت و قدرت سیاسی را با صراحت گوشزد می‌نماید. وقتی نهاد دولت در جامعه تاسیس می‌شود، در عمل، قدرت سیاسی رسمی در اختیار فرد یا گروه خاص قرار می‌گیرد؛ چنین امکاناتی بدون در نظر گرفتن راه‌کارهای تحقق امنیت سیاسی برای افراد جامعه، زمینه را برای ناامنی سیاسی و گسترش فساد در جامعه باز می‌کند و زمینه‌ساز سرکشی حاکم می‌گردد.

خداوند در قرآن از حاکمان مستبد ابراز انزجار کرده و نمونه‌هایی از فسادهای سیاسی آن‌ها را بیان نموده است. طغیان و عصیان، غضب اموال، قتل و کشتار، به استضعاف کشاندن مردم و عدم اجازه نسبت به ابراز وجود مردمان، علو و استبداد، ادعای الوهیت، فساد و فحشا، اسراف، استخفاف مردم و استکبار از آن جمله‌اند. سرمنشأ چنین فسادی، طبع حکومت و قدرت است. از منظر قرآن کریم راه‌کارهای تحقق امنیت سیاسی، ایجاد امنیت از طریق آزادی سیاسی و مشارکت سیاسی است. امنیت سیاسی افراد، هم در فکر و اندیشه و هم در بیان به‌واسطه‌ی آیات قرآن قابل اثبات است. اگرچه حدود خاصی نیز برای این حقوق وجود دارند؛ مهم‌ترین این حدود، رعایت حریم دیگران است.



منابع

- قرآن کریم.

- ابن منظور، م. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. (ج ۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افتخاری، ا. (۱۳۸۳)، مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت: گذار از جامعه اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، صص ۴۴۱-۴۳۳.
- افتخاری، ا. (۱۳۹۱). امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ایزدهوسی، س. (۱۳۹۳). نظم‌های سیاسی در فقه شیعه و ظرفیت‌سنجی آنها در خصوص مشارکت سیاسی. علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۳۵-۵۶.
- بابایی، م. (۱۳۷۶). تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی ایران در گذر به جامعه صنعتی (گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی). تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی (مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، ب.؛ ویور، ا.؛ دوویدل، پ. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. علیرضا طیب (مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهان بزرگی، ا. (۱۳۸۸). امنیت در نظام سیاسی اسلام؛ اصول و مؤلفه‌ها. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حمزه‌پور، ع. (۱۳۹۰). راهبردهای امنیتی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۶ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم.
- زبیدی، م. (۱۳۰۶ق). تاج العروس من جواهر القاموس. (ج ۵). بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- سیدباقری، س. ک. (۱۳۹۷). حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم. علوم سیاسی، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۷-۳۲.
- شفیعی، م. (۱۳۹۳). مسئولیت‌های دولت مردم‌سالار درباره مشارکت سیاسی مردم از منظر قرآن. علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۶۶، صص ۷-۳۴.
- طباطبایی، س. م. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. س. م. موسوی همدانی (مترجم). قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ف. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۹). بیروت: دارالمعرفه.
- غریب‌زندی، د. (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناختی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۴۱-۶۱.
- قاضی‌زاده، ک.؛ خیری، ح.؛ قنبرلو، م. (۱۳۹۴). مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نظام اجتماعی براساس تفسیر المیزان. پژوهش‌های اعتقادی و کلامی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۰۳-۱۲۸.



- قرآنی، م. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- لک‌زایی، ن. (۱۳۹۲). دیدگاه امنیتی شیعه با تاکید بر اندیشه آیت الله شهید بهشتی. شیعه‌شناسی، شماره ۴۱، ص ۷-۴۰.
- لک‌زایی، ن.؛ رحمت الهی، ح.؛ حاج‌زاده، ه.؛ ارسطو، م.ج. (۱۳۹۴). امنیت سیاسی افراد و مرجعیت آن در فقه امامیه. حقوق اسلامی، شماره ۴۴، ص ۱۱۳-۱۵۲.
- لک‌زایی، ن.؛ مقیمی، غ.ح. (۱۳۹۰). نسبت مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه امام خمینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱، ص ۱-۲۸.
- مصطفوی، ح. (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. (ج ۷). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۲). تفسیر نمونه. (چاپ ۲۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۷). پیام قرآن، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی زنجانی، س.ا. (۱۳۴۰). حریت در نظر اسلام. مکتب تشیع، شماره ۳، ص ۱۷-۴۸.
- میراحمدی، م. (۱۳۸۱). آزادی در فلسفه سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.
- میراحمدی، م. (۱۳۹۴). آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۸۹-۱۰۴.
- میراحمدی، م. (۱۳۸۸). مردم سالاری دینی، امکان یا امتناع مفهومی. مجموعه مقالات دؤمین همایش مردم سالاری دینی. (ج ۱). تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ص ۱۵۲-۱۷۶.
- هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۰). تفسیر راهنما. (ج ۱). قم: بوستان کتاب.
- هیوود، ا. (۱۳۷۹). درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی. م. رفیعی مهرآبادی (مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.



References

- Ibn Manzoor, M. (1988). *The Arabic language*. (Vol. 2). Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Eftekhari, a. (2004), *Discourse Frontiers of Islamic Theory of Security: Transition from Islamic Society*, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Year 7, Issue 3, Fall, pp. 441-433.
- Eftekhari, a. (2012). *Security*. Tehran: Imam Sadegh University.
- Izdehi, S. (2014). *Political disciplines in Shiite jurisprudence and their capacity assessment of political participation*. *Political Science*, Year 17, No. 66, pp. 35-56.
- Babaei, M. (1997). *Developments in the process of participation of rural women in Iran in transition to the industrial society (women's assembly, participation and agriculture)*. Tehran: Institute for Planning and Economics Research.
- Bozan, B. (1999). *People, governments and fears*. Strategic Studies Research Institute (translator). Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Bozan, B., Vivor, A., & Deauville, P. (2007). *A new framework for security analysis (A. Tayeb Trans.)*. Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Jahan Bozorgi, A. (2009). *Security in the political system of Islam; principles and components*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.
- Hamzhepour, A. (2011). *Security Strategies Foreign Policies of the Islamic Republic of Iran*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Ragheb Isfahani, H. (1996). *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*. Damascus: Dar al-Qalam.
- Seyed Bagheri, S. K. (2018). *The right to freedom of expression from the perspective of the Holy Quran*. *Political Science*, Year 21, No. 81, pp. 7-32.
- Shafiei, M. (2014). *The responsibilities of a democratic government regarding the political participation of the people from the perspective of the Holy Quran*. *Political Science*, Year 7, No. 66, pp. 7-34.
- Tabatabai, S. M. (1984). *Tafsir al-Mizan (S. M. B. Mousavi Hamedani)*. Qom, Islamic Publications.
- Tabarsi, F (1986). *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran (vol. 9)*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Gharayaq Zandi, D. (2015). *Humanities Basics of the Security School of the Islamic Republic of Iran*. *Security Agents*, Year 8, No. 26, pp. 41-61.
- Ghazizadeh, K., Kheiri, H., & Qanbarloo, M. (2015). *Fundamentals of Ontology and Epistemology of Social System Based on Al-Mizan Interpretation of Belief and Theological Research*, *Fifth Year*, No. 18, pp. 103-128.
- Qaraati, M. (2004). *Tafsir Noor*, Tehran: Cultural Center, *Lessons from the Quran*.
- Lakzaei, N. (2013). *Shiite security perspective with emphasis on the idea*





- of Ayatollah Shahid Beheshti. *Shia Studies*, No. 41, pp. 7-40.
- Lakzaei, N., Rahmat Elahi, H., Hajzadeh, H., & Arista, M. J. (2015). Political security of individuals and its authority in Imami jurisprudence. *Islamic Law*, No. 44, pp. 113-152.
 - Lakzaei, N., & Moghimi, G. H. (2011). The relationship between legitimacy and political participation in Imam Khomeini's thought. *Journal of the Islamic Revolution*, First Year, No. 1, pp. 1-28.
 - Zabeidi, M. (1889). *The crown of the bride is the jewel of the bride*. (Vol. 5). Beirut: Dar Al-Hayat School.
 - Mostafavi, H. (1981). *Research on the words of the Holy Quran*. (Vol. 7). Tehran: Book Translation and Publishing Company.
 - Makarem Shirazi, N. (2003). *Sample interpretation*. (Print 21). Tehran: Islamic Library.
 - Makarem Shirazi, N. (1998), *Message of the Quran*, Vol. 10, Tehran: Islamic Library.
 - Mousavi Zanjani, S. A. (1961). *Freedom in Islam*. *Shiite School*, No. 3, p. 17 - 48
 - Mirahmadi, M., (2002). *Freedom in the Political Philosophy of Islam*, Qom: Bustan-e Ketab.
 - Mirahmadi, M., (2009). *Religious Democracy, the Possibility or Conceptual Refusal of the Second Proceedings of the Conference on Religious Democracy*, Vol. 1, Representation of the Supreme Leader in Universities, Tehran.
 - Mirahmadi, M. (2015). *Freedom and justice in the security school of the Islamic Republic of Iran*. *Security Agents*, Year 8, No. 26, pp. 89-104.
 - Hashemi Rafsanjani, A. (2001). *Guide interpretation*. (Vol. 1). Qom: Book Garden.
 - Hywood, A. (2000). *An Introduction to Political Ideologies: From Liberalism to Religious Fundamentalism* (M. Rafiei Mehrabadi, Ttrans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs.